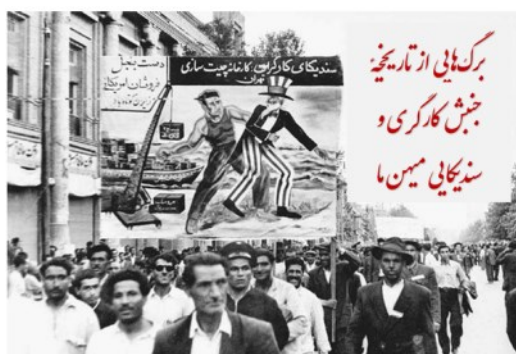


# کارگران همه کشورها متحد شوید!

## پویه پیدایش سندیکاهای کارگری در ایران - بخش هشتم

پس از تثبیت دیکتاتوری رضا شاه در سال ۱۳۰۴، حمله‌های نیروهای ارتجاعی علیه جنبش کارگری و اتحادیه‌ها شدت بیشتری یافت. رضا خان قبل از هرچیز سرکوب جنبش سندیکایی و اتحادیه‌ای و جلوگیری از گسترش تشکلهای صنفی و طبقاتی و فعالیت‌های طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را هدف خود قرار داد. سرکوب جنبش سندیکایی و اتحادیه‌ای و غیرقانونی



اعلام کردن فعالیت‌های آن‌ها در ایران همراه با ممنوع شدن فعالیت "حزب کمونیست ایران"، در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۰ که سرانجام به تصویب "قانون سیاه" انجامید، مقدمه سرکوب هر نوع آزادی در ایران و نابودی واقعی قانون اساسی و متمم‌های آن بود. رضاشاه به‌توصیه انگلیس‌ها در وهله اول به کارگران و زحمتکشان و سندیکاهای و "حزب کمونیست ایران" حمله کرد. دستگاه حکومتی

ادامه در صفحه ۳

نامه  
مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران  
ضمیمه  
کارگری

شماره ۷۴، ۲۶ تیر ۱۴۰۲

## حقوق بازنشستگان و بحران صندوق‌های بازنشستگی



در شرایطی که با تحمیل اقتصاد نولیبرالی خشن و دستمزد یک‌چهارم خط فقر به کارگران آنان حتی قدرت خرید از فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه را هم ندارند

بیش از ۳ هزار کارگر فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه اخراج و بسیاری از این مراکز فروش درحال تعطیل شدن هستند. رژیم در دشمنی‌ای ویژه با کارگران، به گزارش ایلنا، ۱۷ تیرماه، رژیم حنا ادعا می‌کند که "به‌جای حداقل دستمزد به کارگران کالا برگ" خواهد داد. درحالی که به‌طور میانگین فقط حدود ۳۰ درصد احکام قوانین برنامه‌های به‌اصطلاح توسعه قبلی عملیاتی شده‌اند، زیر "اسم رمز مردمی‌سازی اموال و مولدسازی"، هدف رژیم غارتگر واگذاری اموال دولتی و عمومی مانند اموال کارگران در سازمان تأمین اجتماعی و بانک رفاه کارگران، ادغام صندوق‌های بازنشستگی، پرداخت بیش از ۲ تریلیون تومان دهه‌ها بدهی انباشته دولت به سازمان به‌صورت غیر مرکب، تحمیل تبدیل هشتاد درصد دارایی سازمان به "سهام غیرمدیریتی"، افزایش حق بیمه کارگران تا ۱۰ درصد و کاهش حق بیمه سهم دولت "به ۱ و کارفرما به ۱۹ درصد"، افزایش سن بازنشستگی کارگران، افزایش سنوات مبنای محاسبه مستمری از "۳ سال به ۵ سال"، حذف متناسب‌سازی مستمری بازنشستگان؛ به‌رغم معاف بودن از پرداخت مالیات، یا پرداخت مالیات ناچیز نهادهای انگلی و منوط بودن "رسیدگی به وضعیت نهادهای زیرمجموعه" خامنه‌ای به "اجازه" او، افزایش مالیات بر ارزش افزوده زحمتکشان؛ به‌رغم استفاده از ترفند "تاترازی" برای یورش مداوم به حقوق کارگران در تأمین اجتماعی، تبلیغ بانک رفاه به عنوان "بانک رفاه کارگران؛ بانک همه!"، جایگزین کردن سازمان امور مالیاتی به‌جای تأمین اجتماعی برای جمع کردن حق بیمه، جایگزین کردن بیمه مکمل به‌جای درمان رایگان و قانون الزام، اشاره نکردن به تعهدی به کارگران بیمه شده به‌رغم در دست داشتن مدیریت و امکانات سازمان و امکان خودداری از ارائه مستمری بازنشستگی در آینده؛ نمونه‌هایی از یورش رژیم به حقوق زحمتکشان در این برنامه است.

واقعیت این است که کارگران و بازنشستگان دیگر فریب سیاست‌های ضد کارگری "خانه کارگر" را نمی‌خورند. به‌عنوان نمونه، با اعلام اینکه "متأسفانه بازنشستگان امروزه در جامعه دچار چند دستگی شده و شناختی از حق و حقوق قانونی و صنفی خود ندارند"، روز ۲۳ خردادماه مهره امنیتی و معاون دبیرکل خانه کارگر و به‌اصطلاح رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، حسن صادقی، گفت: "با هرگونه مطالبه‌گری صنفی که بخواهد رنگ و بوی سیاسی بگیرد، مقابله خواهد شد." برخی از کارگران با دارا بودن تحصیلات بهتر و تخصص، در دوران کار حق بیمه بیشتری پرداخت کرده‌اند و

ادامه در صفحه ۲

## تأملی بر مشخصه‌های جنبش اعتصابی زحمتکشان در مرحله کنونی

گسترش اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها در مرکزهای صنعتی و خدماتی را از ویژگی‌های صحنه سیاسی کشور در چندماه اخیر می‌توان دانست. جنبش اعتراضی طبقه کارگر و زحمتکشان با طرح خواست‌های مشخص مانند افزایش و ترمیم دستمزد، توقف خصوصی‌سازی، اجرای طرح مترقی طبقه‌بندی و رتبه‌بندی، حق تشکلیابی مستقل، احیا و ایجاد سندیکاهای کارگری و نظایر آن‌ها در بطن رخدادهای پرشتاب سیاسی در پویایی پُر از افت و خیز اما رو به‌رشد ادامه دارد.

با تصویب "برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه" در دولت و آرایه آن به مجلس، این مبارزات گسترشی چشمگیر را نشان می‌دهد. این رشد و گسترش مبارزات کارگری از نقطه‌نظر تناسب قوا در میدان مبارزه طبقاتی اهمیتی جدی دارد. جنبش کارگری با برپایی اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها در نقاط مختلف کشور در پیکار سراسری علیه دیکتاتوری حاکم و معادله‌های صحنه سیاسی با نظرداشت صف‌بندی‌های

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی پیوند دادن مبارزات کارگری با جنبش همگانی علیه دیکتاتوری ولایی،  
تحریم، و مداخله امپریالیسم و برای برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

مبارزه سیاسی را تشخیص داد. انتخاب لحظه اعتصاب و هم‌گامی با مردم در خیزش زن، زندگی، آزادی به‌خودی‌خود معیار ارزیابی این حرکت‌های اعتصابی هستند. دقیقاً به دلیل این مشخصه بود که معاون تشکل زرد و حکومتی یعنی "خانه کارگر" گفته است: "با هرگونه مطالبه‌گری صنفی که بخواهد رنگ و بوی سیاسی بگیرد، مقابله خواهد شد."

اعتراض‌های فرهنگیان نقطه تالاقی اهمیت اتحادعمل، سطح سازمان‌دهی با تلفیق مبارزه صنفی با مبارزه سیاسی است. این مشخصه‌ها در اقدام‌های اعتراضی فرهنگیان به‌خوبی دیده می‌شوند. پیکار پرشور فرهنگیان در مرحله‌های مختلف و حضور یک‌پارچه آنان از مهم‌ترین تجربه‌های جنبش کارگری و تشخیص چهار مشخصه اصلی یاد شده آن در مقطع زمانی کنونی است. همچنین تداوم اعتراض‌های دوره‌ای بازنشستگان و مستمری‌بگیران همراه با مبارزه پرستاران و زحمتکشان بخش بهداشت همین مشخصه‌ها یا به عبارتی وظیفه‌ها را برجسته می‌سازد. علاوه بر این‌ها، نکته مهم و تأمل‌برانگیز در مجموعه اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری از جمله در میان کارگران راه‌آهن، شهرداری‌ها، کارگران ساختمانی، و کارگران نانوبی رشد سطح همبستگی و تمایل و اراده طبقه کارگر به تشدید مبارزه را با وجود سرکوب گواهی می‌کند.

در تمام این حرکت‌های اعتصابی بزرگ و کوچک شاخصه‌ای که باید بر آن انگشت نهاد استقلال عمل طبقاتی با تأکید بر خواست‌های صنفی و پیوند با خیزش‌های مردمی است. گرچه برخی از این اقدام‌ها به‌صورت گند و در مسیری پریپچ‌وخم جریان دارد، اما حرکت به‌پیش انکارناپذیر است. ناگفته نماند که ارگان‌های امنیتی و ماشین سرکوب رژیم بر اساس شاخص‌هایی چون میزان اثرگذاری، سطح سازمان‌دهی و همبستگی، و مواردی از این دست برنامه‌مه‌ار، کنترل، و سرکوب کردن جنبش کارگری را تدوین و اجرا می‌کنند. مخالفت و مبارزه علیه برنامه هفتم توسعه همراه با خواست افزایش و ترمیم مزد، جلوگیری از افزایش سن بازنشستگی و توقف خصوصی‌سازی با قوت و قدرت جریان دارد. برای تقویت و اعتلای این مبارزات از هر باره باید کوشید. به‌ویژه توجه به مشخصه‌های یاد شده و تقویت آن‌ها به‌هدف ارتقای جایگاه جنبش کارگری در پیکار با دیکتاتوری حاکم اهمیتی جدی دارند.

## ادامه حقوق بازنشستگان و بحران صندوق‌های

مستمری بیشتری نیز باید دریافت کنند. درحالی که اکنون آخرین حقوق برخی گروه‌ها در دستگاه‌های اجرایی ملاک پرداخت اولین حقوق بازنشستگی آنان می‌شود، با انتقاد شدید از افزایش سن بازنشستگی و "افزایش سنوات محاسبه مستمری از ۲ سال به ۵ سال" در برنامه هفتم توسعه، روز ۷ تیرماه خرمی، کارگر شرکت پلی‌اکریل اصفهان، گفت: "اگر خدای ناکرده میانگین ۵ سال بشود بازنشستگان به عمق دره فقر سقوط می‌کنند؛ اما یک روز قبل در ۶ تیرماه، صادقی گفته بود: "من حتی معتقد هستم میانگین کل دوران خدمت باید در محاسبه حقوق مستمری ملاک قرار داده شود." صادقی در مورد مصوبه دستمزد، ۱۷ تیرماه، نیز گفت: "وزارت کار به ادارات کل دستور داده بود که از طریق شوراهای اسلامی و نمایندگان کارگران به گوش کارگران برسانند که حق ندارند دادخواستی در اعتراض به مصوبه‌ی دستمزد امضاء کنند."

مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری در قیاس با دیگر کشورها، به‌خصوص فرانسه، تمام‌قد از افزایش سن بازنشستگی و برنامه هفتم توسعه دفاع کرده است. او روز ۱۹ تیرماه در پاسخ به سؤال خبرنگار ایلنا که پرسید: "چگونه می‌توان ایران را با کشورهای دیگر مقایسه کرد و با این توجیه مدافع چنین اصلاحاتی بود؟" گفت: "ما بهتر هستیم." جالب این‌جاست که غارتگران در مرکز پژوهش‌های مجلس نیز حتا هدف‌شان راه‌اندازی سامانه‌ای برای جمع‌آوری "نظرات اساتید حوزه و دانشگاه" در ارتباط با "برنامه هفتم توسعه" است. باید پرسید: آیا سئوال‌ها شامل توافق "اساتید حوزه و دانشگاه" با غارت اموال زحمتکشان خواهند بود؟ فقط با مبارزه‌ی متحد و پیگیر می‌توان به این چپاول اموال ملی پایان داد!

## ادامه تأملی بر مشخصه‌های جنبش اعتصابی

چندوجهی و سیال نقشی رو به‌رشد دارد. هم‌زمان با گسترش جنبش اعتصابی تنوع شکل‌های مبارزه به یکی از ویژگی‌های این جنبش تبدیل می‌شود.

روند صعودی جنبش اعتصابی بدون پیش‌زمینه‌های عینی و ذهنی‌ای معین نبوده است. در این میان تجربه‌های ارزشمند جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان در سال‌های گذشته و رشد آگاهی طبقاتی توده‌های کارگر شایسته توجه‌ای جدی است. به‌دیگر سخن، جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی با طی مسیری پریپچ‌وخم در راه تقویت بنیه و توان سازمان‌دهی‌اش گام به‌پیش برمی‌دارد. تجربه ماه‌های اخیر خصوصاً هم‌زمانی برخی اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری اثرگذار با خیزش زن، زندگی، آزادی حاوی درس‌های فوق‌العاده با اهمیتی‌اند. باید این تجربه‌ها را گردآوری کرد و نتایج و حاصل جمع آن را در پیکار کنونی با خلاقیت به‌کار گرفت. این تجربه‌ها در عمده‌ترین محور و مختصات کدامند؟ چگونه می‌توان آن‌ها را با توجه به سطح کنونی آمادگی توده‌های کارگر به‌کار بست و از این رهگذر جایگاه جنبش کارگری و پویه‌ی احیای حقوق سندیکایی را تقویت و تحکیم کرد؟

اعتصاب کارگران رسمی صنعت ملی نفت و کارخانه ذوب‌آهن اصفهان در مقام دو مرکز راهبردی صنعت کشور که در تأمین درآمد ملی نقش پررنگ و اصلی را دارند، در گرماگر خیزش زن، زندگی، آزادی نشان داد طبقه کارگر با وجود سال‌ها در معرض سرکوب شدن بودن از ظرفیت‌های متعدد خود برای حضور در معادله‌های سیاسی و پیکار علیه دیکتاتوری و مداخله امپریالیسم آگاه است. چگونگی به‌کار گرفتن این ظرفیت و اعمال آن در جنبش ضد دیکتاتوری با پویه تقویت بنیه جنبش کارگری در مبارزات جاری مرتبط است. از این‌روی، بحث اصلی پیرامون وظایف، مسئولیت‌ها، و جایگاه جنبش کارگری در این مرحله از مبارزات سراسری ضد دیکتاتوری عبارت خواهد بود از یافتن راه‌های تقویت بنیه جنبش کارگری با تأکید بر دو عرصه یعنی عرصه مبارزه سیاسی و عرصه مبارزه صنفی. این دو عرصه در پیوند متقابل دیالکتیکی با یکدیگر قرار دارند. هنگامی که از پویه تقویت بنیه جنبش کارگری در این مقطع زمانی سخن می‌گوییم ضروری است برخی مشخصه‌ها در پیکار زحمتکشان را به‌درستی تشخیص داده و ارزیابی کنیم. ما پیش‌تر نیز درباره این مشخصه‌ها که به عبارتی از زمره وظایف کنونی به‌شمار می‌آیند به‌تفصیل سخن گفته بودیم. تشدید مبارزه، اتحادعمل فراگیر، تلفیق مبارزه سیاسی با مبارزه صنفی، و استقلال عمل طبقاتی زحمتکشان در پیکار، چهار مشخصه در این مرحله از رویارویی طبقه کارگر با دیکتاتوری حاکم است.

نگاهی حتی گذرا به اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگران در رشته‌های مختلف و مناطق گوناگون نشان دهنده شکل‌گیری این مشخصه‌ها در جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی است. تأملی بر اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگران پروژه‌ای و موقت صنایع نفت، گاز، و پتروشیمی اهمیت اتحادعمل فراگیر در عرصه صنفی-رفاهی و وحدت سندیکایی را به اثبات رساند. در پرتو اتحادعمل فراگیر اعتصاب کارگران پروژه‌ای هم‌زمان در چندین مرکز صنعتی امکان‌پذیر شد. هرچا که به‌ذهنی‌گرایی و فرقه‌گرایی میدان داده شد تضعیف یا کم‌اثر شدن مبارزات اعتصابی را شاهد بودیم. اعتصاب کارگران پروژه‌ای اهمیت اتحادعمل فراگیر را برای کارگران و سندیکالیست‌ها نمایان کرد. در مبارزه کارگران رسمی صنعت ملی نفت ایران، ذوب‌آهن اصفهان و کارگران فنی و تکنیسین‌های صنعت برق و توانیر حرکت و عمل آگاهانه با وجود موانع بسیار عبارت بود از ارتباط و پیوند با جنبش سراسری ضد دیکتاتوری و مشارکت در خیزش زن، زندگی، آزادی. لازم نیست فقط با چشم‌های مسلح به این اعتصاب‌ها نگریم تا محتوای آن‌ها یعنی تلفیق مبارزه صنفی با

## فقدان ایمنی در محیط کار: برنامه‌های رژیم ولایت فقیه عامل افزایش سوانح کار است!



نبود بازرسی و نظارت کافی بر کارگاه‌ها، قدیمی بودن تجهیزات ایمنی در معادن، رعایت نشدن اصول ایمنی کار در ارتفاع و داربست، و جز این‌ها، میزان حوادث کار و مرگ‌ومیر ناشی از آن در کشور در قیاس با دیگر کشورها "بسیار بیشتر" است. با این وصف وزیر کار دولت رئیسی و حسین علی رعیتی‌فرد، معاون روابط کار وزارت کار کنونی، مهارت ویژه‌ای در جعل واقعیات موجود و اعدادسازی دارند. به‌رغم سرکوب و زندانی کردن فعالان مستقل کارگری، تحمیل بیمه‌کاران غارتگر و قراردادهای کار موقت به بیش از ۹۵ درصد زحمتکشان، و استفاده از امضای رهبران تشکل‌های زرد حکومتی در شورای عالی کار به‌منظور تحمیل دستمزد یک‌چهارم خط فقر به میلیون‌ها کارگر، روز ۹ خردادماه در به‌اصطلاح "همایش ملی کار"، رعیتی‌فرد سه‌جانبه‌گرایی و پایبندی به "اصول بنیادین کار" را "سرلوحه" دولت رئیسی عنوان کرد و "رعایت این اصول" در "چارچوب‌های امنیت شغلی و معیشت" را لازم دانست. در رابطه با حوادث کار و مرگ و میر ناشی از آن، رعیتی‌فرد از کاهش "۱۳ تا ۱۴ درصدی حوادث کار و جان باختن ۷۱۱ کارگر در سال گذشته سخن گفت. یک ماه قبل از آن و در ۱۱ اردیبهشت‌ماه، معاون پزشکی و آزمایشگاهی سازمان پزشکی قانون کشور گفته بود "در مجموع ۱۹۰۰ نفر در سال ۱۴۰۱ در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده‌اند." رعیتی‌فرد بدون ارائه هیچ داده‌ای از میانگین یا استاندارد جهانی، روز ۱۱ تیرماه گفت: "آمار حوادث کارگری در کشور نسبت به میانگین جهانی پایین‌تر است." عضو کارگری اسبق شورایی حفاظت فنی با تأکید بر ارائه نشدن هیچ سند و مدرکی یا قیاسی با "میزان حوادث کار در کل جهان" از سوی رعیتی‌فرد، او در گفتگویی با ایلنا در ۱۳ تیرماه تعداد حوادث کار و مرگ و میر ناشی از آن در ایران را "بسیار بیشتر" از کشورهای صنعتی عنوان کرد و گفت: "این یک قیاس کاملاً مع‌الفارق است... فقط به دنبال اعدادسازی و تهیه خوراکی برای رسانه‌ها هستند تا بگویند کارمان را بلد هستیم." گرچه رسانه‌ها تمام اخبار واقعی از مرگ به‌علت حوادث کار را دریافت نمی‌کنند، فقط در یک روز، روز پنجم تیرماه، "سه کارگر جان خود را از دست دادند، یک کارگر مصدوم شده بود، و سه کارگر چاه‌کن در عمق بیست متری یک چاه حبس" شدند. در سال‌های اخیر برای کسب درآمد، برخی دانشگاه‌های آزاد و غیرانتفاعی رشته‌ای با عنوان (HSE) آورده‌اند و برای آن دانشجو می‌پذیرند. محمد نظری، کارشناس مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، با تأکید بر گران بودن شدید "تجهیزات آزمایشگاهی حوزه آموزش‌های ایمنی و بهداشت کار"، روز ۵ تیرماه گفت: "اصلاً نمی‌دانیم این رشته [HSE] چیست؟... نه سد کنکور را رد کرده و نه حتی از امکانات و تجهیزات مربوط به این رشته‌ها در دانشگاه بهره برده است... نمی‌توان در هر جا و با هر کیفیتی فرد را آموزش داد و بعد مسئولیت سلامت کارگر را به او سپرد." علی، کارگر معدن خصوصی در کرمان، در توصیف حادثه از دست دادن یک پای خود در سال ۱۳۹۷، روز ۱۵ تیرماه ۱۴۰۲ به ایلنا گفت: "معدن ایمن نبود و بارها قرار بود تعطیلش کنند... هر بار کارفرما یکجوری با بازرسان کنار می‌آمد... معدن آمبولانس نداشت... انقدر دیر رسیدم... که پیوند ممکن نشد... بازرسان هم که مجبورند هرازگاهی بیایند، معمولاً همان دفتر مدیر می‌نشینند چایی و صبحانه می‌خورند و می‌روند." بیش از ۵۰ درصد حوادث کار مربوط به کارگران ساختمانی می‌شود و سال‌هاست که تأمین اجتماعی به‌بهانه کمبود منابع مالی، از بیمه کردن هزاران کارگر ساختمانی خودداری می‌کند، و مجلس به‌مدت بیش از دو سال وعده اصلاح ماده ۵ بیمه کارگران ساختمانی را داده بود. در حمایت تمام‌قد از کلان سرمایه‌داران بسازوبفروش مجلس‌نشین، روز ۴ تیرماه، مجلس‌نشینان "مصوب کردند که اصلاحیه ماده ۵ بیمه کارگران ساختمانی، به مدت دو سال متوقف شود." در توصیف عملکرد مجلس در ۱۳ تیرماه، بابایی کارنامی، رئیس فراکسیون کارگری مجلس، گفت: "به‌نظر مجلس اشتباه بزرگ و استراتژیکی کرد... و این نشان می‌دهد مافیا هنوز در مجلس حضور دارد." باید از کارنامی پرسید آیا فقط بسازوبفروش‌های مجلس‌نشین بخشی از مافیا حساب می‌شوند؟ بقیه شما که در همراهی کامل با دولت چپ‌اولگر رئیسی در حال تصویب "برنامه هفتم توسعه" هستید بخشی از آن "مافیا" نیستند؟

### ادامه یویه پیدایش سندیکاهای کارگری ...

رضاشاه به‌خوبی آگاه بود که کارگران و کمونیست‌ها سرسخت‌ترین مدافعان آزادی و استقلال ایران هستند و فعالیت‌های آزادانه آنان سد بزرگی در تمایل مستبدانه شدید او به سرکوب آزادی‌ها و در نتیجه تاراج کشور از سوی او خواهد بود.

نیروهای ارتجاعی در همین زمان و با دستورهای مستقیم رضاشاه علیه جنبش کارگری و اتحادیه‌های کارگری حمله‌های جنایت‌کارانه‌شان را تشدید کردند و عضویت کارمندان دولت در اتحادیه‌ها ممنوع شد. در پاییز ۱۳۰۴ و در بحبوحه انتخابات مجلس "شورای مرکزی اتحادیه‌ها" از طرف دولت غیرقانونی اعلام و در نتیجه منحل شد.

بالین حال و با وجود تحمل ضربه‌های سنگین از جانب دیکتاتوری رضاشاهی، جنبش سندیکایی و اتحادیه‌ای توانست خود را با شرایط مخفی وفق داده و به موجودیتش در خفا ادامه دهد و از همین طریق با سازمان‌دهی اعتصاب‌ها، تظاهرات، و ابراز مخالفت‌ها، مبارزه‌اش را تا مدت‌ها ادامه دهد و همین‌گونه توانست علیه دیکتاتوری رضاشاه و علیه چپاول و غارتگری دولت‌های امپریالیستی به‌ویژه امپریالیسم انگلستان مبارزه خود را ادامه دهد. در این دوره حتی اتحادیه‌های جدید نیز تأسیس شدند. تشکیل "اتحادیه کارگران راه‌آهن" در فضای خفقان و به‌صورت مخفی و سازمان‌دهی چند اعتصاب تاریخی در صنایع کشور نشان داد که سرکوب و پیگرد خونین از سوی رضاخان، این دست‌نشانده امپریالیسم انگلیس، نتوانست از ادامه حیات رزمنده جنبش کارگری و سندیکایی مانع شود. (پایان بخش هشتم - ادامه دارد).



- ◆ تأمین و تضمین قانونی حداقل درآمد و بازنشستگی برای تمام زحمتکشان شهر و روستا، متناسب با سطح زندگی روز جامعه، و ترمیم سالانه حقوق و دستمزد متناسب با نرخ تورم در کشور؛
  - ◆ جلوگیری از "قرار دادهای سفید امضاء" و تنظیم ضوابط مشخص برای موقت کاری و قطع نقش دلالت بازار کار؛
  - ◆ ایجاد نظام فراگیر و رایگان خدمات بهداشتی و درمانی و آموزشی در سراسر کشور بر مبنای نیاز هر شهروند؛
- از برنامه مصوب هفتمین کنگره حزب توده ایران



## اتحاد عمل فراگیر در جنبش کارگری و سندیکایی اسپانیا

### بیانیه نخستین نشست مجمع عمومی ملی جنبش کارگری

اگر مبارزات در چارچوب استراتژی برای تسخیر قدرت سیاسی از سوی طبقه کارگر قرار نگیرد، بدون هیچ اثری ناپدید می‌شوند.

ما کارگران از مناطق مختلف کشور اسپانیا، از بخش‌های تولیدی و خدمات عمومی گوناگون، وابسته به سندیکاها و اتحادیه‌های مختلف که همگی به مبارزات طبقه کارگر متعهد هستیم، گرد هم آمده‌ایم و اعلام می‌کنیم:

۱. حمله بورژوازی علیه پرولتاریا، علیه همه ما که باید نیروی کار خود را بفروشیم تا بتوانیم زندگی کنیم، وحشیانه و در همه جبهه‌ها است: بیکاری، ناامنی شغلی، هزینه‌های بالای زندگی، اخراج، تخریب و خصوصی‌سازی خدمات عمومی. به‌طور عمده سیستم بازنشستگی عمومی است که بر زندگی بیش از ۹ میلیون بازنشسته و مستمری‌بگیر تأثیر می‌گذارد. این به بزرگ‌ترین بحران در تاریخ سرمایه‌داری پاسخ می‌دهد، یک بحران ساختاری بدون راه‌حل، و اینکه قصد دارد این بحران را بر پشت ما حمل کند.

۲. جنگ افروزی وحشیانه امپریالیسم به‌رهبری ایالات متحد و همه‌گیری کووید (موارد جدیدی که اعلام می‌شود)، علاوه بر انتقال گسترده منابع عمومی و پول ما به شرکت‌های خصوصی- تسلیحاتی و داروسازی- از آن‌ها برای افزایش مکانیسم‌های کنترل اجتماعی، سرکوب و دستکاری اطلاعات و قرار دادن طبقه کارگر و سایر بخش‌های مردمی در یک فضای واقعی جنگی استفاده می‌شود.

۳. پس از بسیج مردمی ۱۰ سال پیش (جنبش ۱۵ مه و راهپیمایی‌های کرامت) که بوژوازی دانست چگونه از لحاظ انتخاباتی آن را کانالیزه کند و پیمان اجتماعی را جایگزین مبارزه طبقاتی کند که مدت‌هاست از سوی رویزبونیسم و سوسیال‌دموکراسی و ناامیدی حمایت می‌شود، با تأیید اینکه کسانی که می‌خواستند به آسمان‌ها حمله کنند، موش به‌دنیا آوردند. و این به افزایش بیکاری و گسترش احساس ناتوانی در طبقه کارگر و سایر بخش‌های مردمی منجر شده است. افزایش چشمگیر خودکشی‌ها، مصرف مواد مخدر، و ظهور راست افراطی نمونه‌های خوبی از این موضوع هستند.

در رویارویی با این وضعیت کارگران آگاه باید بدانند: دقیقاً در زمان بحران و جنگ است که سرمایه‌داری ضعف خود را نشان می‌دهد و به‌طور دقیق‌تر در بحران کنونی، زیرا این یک بحران ساختاری عمیق یک سیستم درحال زوال است و نمی‌تواند حداقل‌ترین شرایط زندگی

را برای اکثریت جامعه تضمین کند و فقط بدبختی، سرکوب، ویرانی و جنگ عرضه می‌کند که به‌ویژه بر زنان و جوانان با پیشینه کارگری تأثیر می‌گذارد. مبارزات کارگری، اغلب قهرمانانه، که در بسیاری از بخش‌ها، زمانی که از سوی اتحادیه‌های در قدرت به‌طور مستقیم به آن‌ها خیانت نشده است، ظهور می‌کنند و سقوط می‌کنند، بدون اینکه اثری از شکل‌های جدید سازمان‌دهی از خود باقی بگذارند؛ بنابراین هر بار باید از نو شروع کرد. افزون بر این، در مواقع بحران، فضای مانور بسیار تنگ است: اندکی که از یک سو به‌دست می‌آید (افزایش حقوق که هرگز از تورم فراتر نمی‌رود) از سوی دیگر از دست می‌رود (افزایش اجاره بها، وام مسکن، هزینه‌های بالای زندگی، تخریب خدمات عمومی، و جز این‌ها)، این به امری عادی تبدیل می‌شود که شخص برای دستاوردی یا مزیتی مبارزه نکند، بلکه برای حفظ آنچه قبلاً داشته است مبارزه کند: توافق‌های مورد مذاکره رو به پایین، از دست دادن حقوق و جز این‌ها.

در نهایت، انگار بدون پیش‌روی می‌دویم یا در آب بنا می‌کنیم. لازم و ضروری است که حداقل آگاه‌ترین بخش‌های طبقه کارگر تلاش‌های خود را بیهوده به‌هدر ندهند.

مبارزاتی که در قالب یک راهبرد تنظیم نشده‌اند، بدون هیچ اثرگذاری از بین می‌روند.

با آنچه اشاره شد، پیشنهاد می‌کنیم:

۱. یک ابزار هماهنگی مستقل با حضور همه بسازیم که در خدمت پشتیبانی، ارتباط، و انتشار مبارزات کارگری باشد که در هر قلمرو یا بخش رخ می‌دهند.

۲. مبارزه برای قدرت تصمیم‌گیری کارگران در هر شرکت، واحد صنعتی- خدماتی و حتی بالاتر از خود کمیته‌های واحد صنعتی.

۳. کار با آگاه‌ترین و متعهدترین همکاران، برای ایجاد کمیته‌ها یا شوراهایی که وظایف آن‌ها بیشتر سیاسی است تا صنفی، تجزیه و تحلیل خطاها و موفقیت‌های هر مبارزه و تضمین تداوم آن، افزایش سطح آگاهی و سازمان‌دهی برای آماده‌سازی پیکار بعدی، آگاه ساختن همکاران از مبارزه در مراکز دیگر و تقویت همبستگی با آن‌ها. و مهم‌تر از همه، کارکردن به‌گونه‌ای که همکاران از محدودیت‌های مبارزه سندیکایی آگاه شوند و نیاز به اجتناب‌ناپذیر بودن سازمان‌دهی برای تصرف قدرت سیاسی از سوی طبقه کارگر را در چشم‌انداز راهبردی قرار دهند.

[منبع: سایت "حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا"، ۷ تیر ۱۴۰۲.]

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: [dabirxhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirxhaneh_hti@yahoo.de)

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۷۴  
Nameh Mardom - Workers Supplement No.74

17 July 2023

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

